

برگی از استان گلستان در دفاع مقدس

غلامرضا خارکوهی دارای مدرک فوق لیسانس، از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران و استان گلستان است. او بیش از چهار دهه است که مشغول گردآوری و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس می باشد. به طوری که تا کنون ۲۷ جلد کتاب و صدها مقاله و مصاحبه از او توسط مراکز و ناشران مختلف کشور منتشر شده است. یکی از آثار فاخر او "کتاب استان گلستان در دفاع مقدس" است که یک مجموعه سه جلدی به حجم نزدیک به دو هزار صفحه می باشد. او در این کتاب بطور مستند همراه با اسناد و خاطرات و تصاویر و مشاهدات شخصی و میدانی، به تشریح ابعاد مختلف حضور و نقش مردم این استان در سالهای جنگ تحمیلی صدام علیه ایران پرداخته است. ما ضمن گزینش و ارائه بخشی از این کتاب، ۱۲ سوال هم عرضه می کنیم که شما می توانید به ۱۰ سوال پاسخ دهید.

غلامرضا خارکوهی - تاریخنگار انقلاب اسلامی

دفاع مقدس یادآور حماسه‌ای سترگ در تاریخ پرفرازونشیب ملت ایران است. حماسه‌ای که هشت سال به طول انجامید و مردم قهرمان ما به رهبری حضرت امام خمینی نه تنها در مقابل یک‌صد کشوری که به عراق کمک می کردند ایستاد، بلکه رزمندگان ما با مقاومت جانانه خود همه دُول استکباری و اقدارشان را به خاک مذلت نشانند و نگذاشتند یک وجب خاک ایران را تجزیه و تصرف نمایند.

در واقع جنگ تحمیلی صدام- رئیس‌جمهور وقت عراق- علیه ایران، تنها جنگ دو کشور نبود، بلکه جنگ جهانی تحمیلی بر علیه یک کشور تازه انقلاب کرده بنام ایران بود. چرا که سازمان ملل و مخصوصا شورای به اصطلاح امنیت آن و اغلب کشورهای دنیا اعم از استکبار غرب و شرق (آمریکا، اروپا، شوروی و چین، به اضافه دول عربی مثل کویت، عربستان، امارات، بحرین، قطر، اردن، مصر، سودان، و بسیاری از دول دیگر) بطور و مستقیم و غیرمستقیم به ارتش متجاوز صدام کمک می کردند، و در عوض کشور ما را تحریم سیاسی و اقتصادی و نظامی می نمودند، و از فروختن حتی داروهای مُسکن به مجروحان ایران ممانعت به عمل می آوردند. به عبارت دیگر اگر در جنگ‌های جهانی اول و دوم متحدین و متفقین با یکدیگر می جنگیدند، در اینجا متحدین و متفقین با هم یکی شدند و به یاری صدام شتافتند و همه با جمهوری اسلامی ایران می جنگیدند.

علاوه بر این در آن سال‌ها برخی از افراد، احزاب، جریان‌ات ضد انقلاب، عافیت طلب و احتکارچی داخلی نیز دل رزمندگان اسلام را خون کردند. اینها کسانی بودند که نه وجدانشان، نه وطنشان ایران، نه اسلام و نه انقلاب برایشان اهمیت نداشت. به همین خاطر هیچ قدمی برای کمک به جبهه حق برنداشتند. به قول امام خمینی: «آنهايي که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.»

لذا دوران ۸ سال دفاع مقدس بهترین نماد حقانیت و مظلومیت ما بود. چرا که دشمنان ایران در شرایطی به کشور ما هجوم آوردند که هنوز چند صباحی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود و ملت ما درگیر انواع توطئه‌های داخلی و خارجی بود. ما در کمال تنهایی و محاصره اقتصادی و نظامی با دشمن بعثی و حامیانش جنگیدیم؛ زیرا دول استکباری به سرکردگی آمریکا و شوروی سابق مدرن‌ترین سلاح‌های جنگی را در اختیار صدام می گذاشتند، اما حاضر به فروش حتی سیم‌خاردار و دارو و تجهیزات پزشکی به ایران نبودند. در عوض، آنها انواع بمب‌های شیمیایی و امکانات پیشرفته اطلاعاتی و ماهواره‌ای و رسانه‌ای را برای رژیم عراق فراهم می کردند تا به هر ترتیبی شده جمهوری اسلامی در جنگ شکست بخورد و یا حداقل ایران در این جنگ پیروز نشود.

در چنین شرایطی بود که مردم مسلمان و شجاع استان گلستان همپای سایر مناطق کشور با درک ضرورت دفاع از انقلاب و میهن اسلامی، از نخستین روزهای آغاز تجاوز دشمن، وارد عرصه کار و زار شدند و زن و مرد، پیر و جوان، روستایی و شهری، از هر قشر و قومی، گوش به فرمان امامشان به یاری رزمندگان اسلام در جبهه و پشت جبهه پرداختند. مردم دلیر این خطه غالبا از سه طریق به مناطق جنگی اعزام می-

شدند: بسیج و سپاه، جهادسازندگی و پادگان لشکر ۳۰ گرگان. البته بخشی از نیروها هم از طریق ژاندارمری، کمیته انقلاب، شهربانی، مرزبانی، هلال احمر، اداره کل راه و ترابری، مدیریت امور عشایری و کمیته‌امداد امام خمینی اعزام می‌گردیدند.

پاسداران و بسیجیان از طریق سپاه پاسداران شهرستان‌های استان گلستان عازم جبهه‌ها می‌شدند و به لشکر ۲۵ کربلا می‌رفتند. به گفته سردار مرتضی قربانی - فرمانده لشکر ۲۵ کربلا - پنجاه درصد کار لشکر ویژه ۲۵ کربلا دست گلستانی‌ها و گرگانی‌ها بود.

بخشی از نیروهای مردمی و اداری و جهادگران (یا به تعبیر حضرت امام سنگرزازان بی‌سنگر) از طریق جهادسازندگی به جبهه‌ها می‌رفتند که غالباً در گردان ۲۵ امام سجاده (ع) فعالیت می‌کردند.

همچنین نیروهای وظیفه و کادر لشکر سی پیاده گرگان نیز با گردان‌های مختلفش، در طول هشت سال نبرد، با شرکت در عملیات‌های جنگی کوچک و بزرگ، حماسه‌های جاودانی آفریدند.

بطور کلی از کوه‌های سربه‌فلک کشیده کردستان تا دشت‌های سوزان خوزستان و از آنجا تا آب‌های نیلگون خلیج فارس، عرصه گام‌های استوار رزمندگان گلستانی بود. اعزام ۵۰ هزار نفر از نقاط مختلف این استان، ارسال هزاران تن کمک‌های مادی مردم، تقدیم حدود چهار هزار شهید و بیش از ۱۵ هزار جانباز و آزاده، و پاکسازی بیش از ۲۰ هزار هکتار از میادین مین، از جمله جلوه‌های بارز حماسه آفرینی‌های مردم استان گلستان بود.

همچنین فعالیت گسترده و خالصانه زنان مومنۀ گلستانی در جبهه و پشت جبهه، خصوصاً در عرصه خدمات پشتیبانی جنگ، و همراهی و صبوری مادران، همسران، فرزندان شهدا و جانبازان و آزادگان جلوه دیگری از این حضور حماسی است.

علاوه بر این مردم استان گلستان با شرکت مستقیم در خطوط مقدم جبهه، به یاری هموطنان جنگ زده خود نیز پرداختند و مسئولیت بازسازی برخی از مناطق آزاد شده را نیز بر عهده گرفتند که از جمله آن بازسازی سوسنگرد، سومار، ثلاث باباجانی، و دیره می‌باشد. بخاطر چنین فداکاری‌های باشکوهی بود که امام خمینی - فرمانده کل قوا - فرمودند: «من مدعی هستم مثل ملت ایران از صدر تاریخ عالم تا حالا نبوده است.»

(اخذ از: کتاب سه جلدی استان گلستان در دفاع مقدس - تالیف غلامرضا خارکوهی - نشر مشترک بنیاد شهید و اجلاس هیه چهار هزار شهید استان گلستان - سال ۱۳۹۶)
